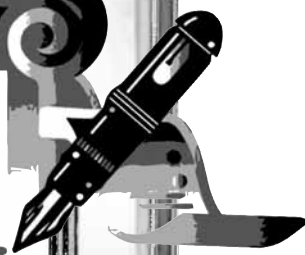


عالم مقاله نویسی



یادداشت سردبیر

می گویند دانش آموزی را پرسیدند درباره ی افغانستان چه می دانی و او که تنها همسایگی افغانستان با ایران را می دانست گفت: افغانستان همسایه ی ایران است و ایران کشوری است که...

مشهور است از کسی پرسیدند در مورد فیل چه می دانی و او که «مار» را بیش از فیل می شناخت گفت: خرطوم فیل مانند مار است و مار جانوری است که... این مثال ها، هر چند طنز و مطایبه، گواه اتّفاقی است که در عالم گفتار و نوشتار و رفتار فراوان اتّفاق می افتد. برخی معلّمان به دلیل غلبه ی توانمندی در دستور، همه ی مقوله ها را از همان منظر می بینند و یا در ناگهانی نا آگاه و ناگزیر! همه ی بحث هایشان به همان جا ختم می شود؛ معلّمی دیگر که در عروض تخصص دارد یا بُعد ذوقی او بر دیگر ابعاد سیطره دارد همه ی راه ها را به رُم عروض یا ذوق خویش خاتمه می بخشد و ابعاد دیگر کم و مفقود یا کم رنگ و بی فروغ می شوند. در عالم مقاله نویسی این خصوصیت راحت تر رصد می شود و امکان ردیابی انحراف از موضوع و محور اصلی مقاله به دلیل امکان برگشت در خواندن مقاله، مشهودتر و محسوس تر است.

گریز از موضوعی به موضوع دیگر و بسط و شرح موضوع فرعی به جای موضوع اصلی، هماره محصول کم دانی در باب آن موضوع نیست. گاه این بستر ناگزیر فراروی هر نویسنده یا سخنوری قرار می گیرد. حتّی در بزرگان و نوابغ سخن چون مولانا و سعدی این ویژگی را می توان یافت. سخنوران گاه آن قدر به حاشیه و شاخ و برگ موضوع می پردازند که محور اصلی کم می شود و هرگاه دریابند که چه اتّفاقی افتاده است می گویند الکلام یجرّ الکلام تا توجیه و محملی برای کار خویش بیابند.

شگفت آن جاست که نویسندگان مقالات گاه چنان از موضوع فاصله می گیرند که رشته ی ارتباط و اتّصال میان عنوان مقاله و محتوای آن قطع می شود و خواننده ای که با جاذبه ی عنوان مقاله، از سر تأمل و شوق، مقاله را خوانده است

تهی دست و خسته از جست و جو مقاله را به فرجام می‌رساند، بی آن که عطش خویش را پاسخی یافته باشد.

این همه ی قصه نیست، همخوانی مقاله با محور اصلی نشریه نیز مهم است. وقتی عنوان مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی است معلوم می‌شود که:

۱. مقالات باید در حوزه ی مفاهیم و موضوعات زبان و ادبیات فارسی تدوین و نگاشته شده باشند.

۲. جنبه ی آموزشی در نگارش مقاله باید غلبه داشته و محور تنظیم مقاله باشد.

۳. چون مخاطب، دبیران زبان و ادبیات فارسی اند در همان سطح و با شناخت نیازهای همان مخاطب‌ها نگاشته شده باشند. مقالات باید گره‌های آموزشی را بگشایند و یاریگر دبیر در جریان تدریس باشند.

۴. مقالات باید با کتب درسی که تکیه‌گاه و محور اصلی آموزش زبان و ادب فارسی اند پیوند و ارتباط داشته باشند.

۵. هر مقاله باید هارمونی و نظام ویژه ی خویش را بیابد، «عنوان» تصویر اجمالی محتوا باشد، «چکیده» بر پیشانی مقاله چارچوبه و محورهای اصلی مقاله را روشن کند و کلید واژه، سرنخ‌ها را برای خوانندگان و پژوهشگران. در درون مقاله نیز هر بند مکمل بند پیشین باشد و سیاق و سیر مقاله ذهن خواننده را به تدریج و با شیبی منطقی به فهم ابعاد و اضلاع موضوع رهنمون باشد.

فراتر از همه ی این‌ها، فهم موضوعات مورد نیاز جامعه ی معلّمان و دبیران است و این را تنها کسی می‌داند که خود دست و پا و هستی در این آتش داشته باشد و از نزدیک سوختن و ساختن و گداختن این پروانگان شمع دانش را شاهد باشد یا خود در حلقه ی طواف سوختگان و شیفتگان این قبیله باشد.

مولایمان علی(ع) فرموده است العالمُ بزمانه لایهجم علیه اللّوایس، هرکس زمان شناس باشد در تهاجم حادثه‌ها گم نمی‌شود یا اصلاً حادثه‌ها او را نشانه و هدف قرار نمی‌دهند. موضوع شناسی و انتخاب موضوعات بایسته و اساسی، هنر بزرگی است و هنرور می‌طلبد. هنرورتر آن که موضوعاتی را بنویسد که تاکنون کم‌تر گفته و نوشته شده است و صد البته هنرورترین آن که به قول عیسی مسیح(ع) رهپوی کوچه‌ای باشد که تاکنون صدای پای هیچ رهنوردی سکوت آن را نشکسته است.

چشم به راه سالکان کوچه‌های سکوت زده ایم.